

بررسی تحلیلی سنت برکت در قرآن

احمد رضا دردشتی*

رمضانعلی حسینی*

چکیده

یکی از سنت‌های تکوینی خداوند که در قرآن آمده، سنت برکت است. بنابه این سنت، خداوند برکت‌ها را در جامعه‌ای فرو می‌بارد که اهل آن از تقوا برخوردار باشند. با توجه به اینکه از یک سو ارتباط ایمان مذهبی با برکت‌های مادی از لحاظ علمی روشن نیست و از دیگر سو ظاهراً برخورداری‌های کشورهای غربی از کشورهای اسلامی بسیار بیش‌تر می‌نماید، این شبهه مطرح شده که اگر شرط نزول برکات، ایمان است، پس چرا کشورهای سکولار از برکات بیش‌تری برخوردارند و کشورهای اسلامی که ظاهراً از ایمان بیش‌تری بهره می‌برند و طبق این سنت، باید برکات افزون‌تری بر آنان نازل شود، از انواع عقب‌ماندگی‌ها در رنج‌اند. مضاف بر اینکه رشد و پیشرفت جوامع، بیش از هرچیز معلول ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی (هوشمندی، برنامه‌ریزی، تلاش، خرد جمعی، مدیریت تولید و مصرف و غیره) سیاستمداران و مردم آن جوامع است و تقوای مورد نظر قرآن، اگر مانع نباشد، تأثیرگذار نیست! در این نوشتار با بررسی مفاهیم ایمان، تقوا و برکت و تبیین شاخصه‌های زندگی بابرکت از نگاه دین و رهیافت‌های علمی و نیز آسیب‌شناسی جوامع غربی و اسلامی از لحاظ برخورداری از شاخصه‌های نزول برکات، به این شبهه پاسخ داده‌ایم.

واژگان کلیدی: برکت، ایمان، تقوا، سنت‌های الهی، رفاه مادی، پیشرفت.

*. دانشجوی دکتری قران و علوم روانشناختی، جامعه المصطفی العالمیه؛ ahmad.rezaporsesh@gmail.com

*. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی موسسه آموزشی امام خمینی (ره)؛ khan_bulbul80@yahoo.com

مقدمه

در قرآن کریم از قوانین و سنت‌های پرشماری در گسترهٔ حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها سخن گفته شده است. این سنت‌ها یا همان قوانین تکوینی، بر زندگی تک تک افراد یا حیات جمعی گروه‌های انسانی و یا مجموعه انسان‌ها در طول حیات بشر- حاکم و جاری است و همه امور آفرینش در چارچوب مفهومی آن‌ها تفسیر می‌شود (بنگرید به: فتح: ۲۲؛ اسراء: ۷۳-۷۷؛ عنکبوت: ۱-۲). از منظر قرآن کریم سنت‌های الهی تغییرناپذیر و تحویل‌ناپذیر بوده و از آفرینش نخستین انسان تا پایان حیات آخرین آن‌ها استمرار دارد (فتح: ۲۳ و اسراء: ۷۷). در این راستا می‌توان به سنت‌هایی مانند آزمایش (عنکبوت: ۱)، پاداش و کیفر (زلزال: ۷-۸)، عدالت (اسراء: ۲۰)، عکس العمل (اسراء: ۷)، امهال و استدراج (اعراف: ۱۸۲) و توبه (زمر: ۵۳) اشاره کرد. یکی از سنت‌هایی که در قرآن کریم توصیف و تبیین شده، سنت برکت است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكُنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر اهل آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا ورزیده بودند، یقیناً برکت‌هایی از آسمان و زمین بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (افسوس که آیات و رسولان ما را) تکذیب کردند، پس آنان را به کیفر دستاوردهایشان گرفتار و هلاکشان کردیم! (اعراف: ۹۶) بر اساس این آیه کریمه علت باریدن برکت‌ها از زمین و آسمان، ایمان و تقواست و فقدان این دو عنصر، جوامع انسانی را با فلاکت و هلاکت مواجه می‌کند. دیربازی است که شرق‌شناسان و روشنفکران متأثر از آن‌ها در کتاب‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها و فضا‌های مجازی پرسش یا شبهه‌ای را مطرح می‌کنند که هم اعتبار قرآن کریم را فروکاهند و هم به تلویح یا تصریح اسلام و مسلمانی را عامل نابسامانی‌ها و عقب‌ماندگی‌های مادی و معنوی مسلمانان معرفی کنند. در این پرسش یا شبهه گفته می‌شود که بنابه تصریح قرآن، سنت الهی دربارهٔ جوامع این است که اگر ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمانی و زمینی بر آنان گشوده می‌شود. اگر این سنت از حقیقت برخوردار است، پس چرا بسیاری از جوامع بی‌ایمان و بی‌تقوا؛ یعنی جوامع سکولار و لاییک نسبت به جوامع مسلمان و مؤمن، از نزولات آسمانی، برکات زمینی و رشد و پیشرفت مادی و حتی اخلاقی، بیش‌تری برخوردارند! سر این واقعیت در چیست؟ اگر ملاک نزول برکات و



بارش نعمت‌های الهی، میزان ایمان، رعایت تقوا و تحفظ بر احکام و ارزش‌های اسلامی است، پس چرا کشورهای غربی با عدم رعایت این مسائل، از برکات آسمانی و زمینی و دیگر پیشرفت‌ها برخوردارند و کشورهای اسلامی، که ظاهراً در مراقبت بر احکام اسلامی، رعایت تقوا و دارابودن ایمان دینی پیشقدم‌اند، نه تنها از بسیاری از این برکات محروم‌اند، بلکه به انواع مشکلات و نابسامانی‌ها گرفتار و از آسیب‌ها و کاستی‌های مختلفی رنج می‌برند. مضاف بر اینکه عقب‌ماندگی یا پیشرفت فرد یا جامعه، بیش از هرچیز به ویژگی‌ها و شرایط روان‌شناختی و فرهنگ عمومی جامعه (هوشمندی، برنامه‌ریزی، تلاش، خرد جمعی، مدیریت تولید و مصرف و غیره) مدیران، سیاست‌گزاران و همه مردم آن جامعه بستگی دارد و ایمان و تقوای اسلامی، به سبب تأکید بر اجتناب از لذت‌های مادی و دنیاگرایی، اگر مانع نباشد، یقیناً حرکت‌دهنده نخواهد بود. بنابراین در پاسخ به این پرسش یکی از دو تحلیل قابل تصوّر است: یا آنچه قرآن به‌عنوان سنت الهی گفته، نادرست و خرافه است و یا اگر گفته قرآن حق است، کشورهای سکولار از ایمان و تقوای بیش‌تری برخوردار بوده و کشورهای مسلمان فاقد ایمان و تقوا هستند؛ که در این امر خود دلیل محکمی بر بی‌اعتباری و عدم حقانیت اسلام است!

در همه کتاب‌های تفسیری به توضیحی درباره این سنت الهی پرداخته شده و برخی از لایه‌های مفهومی این آیه تبیین شده است، اما هنوز تبیین دقیق و همه‌جانبه‌ای، خصوصاً با نگاه علمی، از این سنت الهی ارائه نشده است. در پژوهش حاضر با تحلیل مفهومی و مصداقی واژه‌های ایمان، تقوا، برکت و پیشرفت در منابع اسلامی و علمی، سه هدف را دنبال می‌کنیم: یک) تبیین صحیح و جامع سنت برکت؛ دوم) تفسیر صحیح آیه؛ سوم) پاسخ به پرسش یا شبهه‌ای که تقریر آن در مقدمه ارائه شد. ضرورت این دست پژوهش‌ها بر اهل اندیشه و اصلاح فرهنگی و اجتماعی پوشیده نیست. از یک سو لزوم دفاع از اعتقادات و آموزه‌های اسلامی، تفسیر و تبیین صحیح آن را مدلل می‌سازد و از دیگر سو تفسیر و تبیین صحیح این آموزه‌ها، به‌عنوان چراغ راه و شاخص صلاح و فلاح جوامع اسلامی، راه را بر پیشرفت همه‌جانبه، حل مشکلات و رفع نابسامانی‌های آن جوامع می‌گشاید؛ زیرا تفسیرها و تحلیل‌های غلط و ناقص مفاهیم و آموزه‌های دینی، نه تنها کمکی به حل مشکلات

مسلمانان نمی‌کند، بلکه خود به عامل نیرومندی در برابر کمال و بالندگی فرد و جامعه بدل می‌شود؛ چنانکه متأسفانه تاکنون نیز چنین بوده است (رک: مطهری، ۱۳۷۷).

۱. لزوم توجه به روش‌شناسی صحیح تفسیر قرآن

شبهه مورد بحث از شبهاتی است که حتی اذهان بسیاری از مردم را درگیر کرده است. به نظر می‌رسد ریشه و منشأ این‌گونه شبهات و پرسش‌ها، بیش از هر چیز بی‌توجهی و غفلت از روش صحیح و معتبر تفسیر قرآن کریم است. فهم هرمتنی، اعم از دینی و غیردینی، مستلزم رعایت چارچوب‌ها و قواعدی تفسیر متون است (رک: بابایی، ۱۳۹۶، ج ۱، فصل اول). براین اساس هر تفسیری از آیات و مفاهیم قرآنی که بدون در نظر داشتن اصول و قواعد تفسیر متن قرآنی باشد، نامعتبر بوده و قابل استناد نیست (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸). در مسئله مورد بحث فهم اصطلاحات و مفاهیم قرآنی (ایمان، تقوا و برکت)، ارائه ملاک جامع برکت و تبیین همه شاخص‌ها و عوامل فردی و اجتماعی خوش‌بختی و بدبختی جوامع و نیز ارزیابی عینی و مصداقی جوامع غربی و اسلامی از لحاظ آن شاخص‌ها، ضروری است. تمرکز سهوی یا عمدی بر برخی از آیات و آموزه‌های قرآنی و غفلت و نادیده انگاشتن برخی دیگر (به‌خصوص تفسیرها و تفصیلهایی که در سنت اسلامی و کلام معصومان علیهم‌السلام بیان شده)، این توهم را دامن زده که عامل نیک‌بختی جوامع، از نگاه قرآن، تنها در برپایی شعائری چون نماز، روزه، اعتکاف و دیگر اعمال عبادی خلاصه می‌شود و براین اساس، اگر جامعه‌ای صرفاً به این مناسک پایبندی نشان داد، جامعه‌ای با ایمان و با تقواست و طبق سنت الهی باید برکات آسمانی و زمینی بر آن گشوده شود. نکته مهم دیگر، اینکه ملاک‌ها و شاخصه‌های تعیین خوشبختی؛ یعنی همان مبارک بودن یک جامعه، و به عبارت دیگر مصادیق برکت‌های آسمانی و زمینی هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. از این رو تمسک به شاخص‌هایی مانند نرخ نزول باران، وجود زمین‌های حاصل‌خیز، سود ناخالص ملی و غیره، اگرچه در شرایط خاصی می‌تواند به‌عنوان بخشی از مصادیق برکت به شمار رود، اما معمولاً از ملاک‌های مهم‌تر و انسانی‌تر در تعیین برکات جوامع غفلت شده است.

۲. مفهوم‌شناسی ایمان، تقوا و برکت

در یک پژوهش علمی، خصوصاً از نوع تحلیلی، نخستین و مهم‌ترین بخش تحلیل و

بررسی پرسش و فرضیه‌های مطرح شده در ذیل آن، تجزیه و تحلیل مفاهیم کلیدی پرسش در دانش لغت‌شناسی و متفاهم عرفی و احیانا اصطلاح خاص آن دانش است. از این رو پیش از ورود به بررسی پرسش اصلی واژگان ایمان، تقوا و برکت را از لحاظ لغوی و در اصطلاح قرآنی بررسی می‌کنیم:

واژه ایمان

از ریشه واژگانی «امن»، به معنای آرامش و امنیت خاطر گرفته شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰ق، ج ۱، ص ۱۵۰). در اصطلاح قرآنی به معانی متعددی آمده است. در برخی از آیات قرآن، ایمان به معنای تصدیق قلبی به وجود، یگانگی و عدالت خداوند (نساء: ۱۳۶)، پیامبری محمد بن عبدالله ﷺ و همه پیامبران پیش از او (نساء: ۱۷۱) و نیز تصدیق قلبی قطعی بودن روز قیامت (مجادله: ۲۲) استعمال شده است (شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷). البته ایمان در اصطلاح قرآنی به صرف تصدیق قلبی اطلاق نمی‌شود، بلکه همراهی تصدیق قلبی با عمل جوارحی و اقرار زبانی لازم است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الایمان عقد بالقلب و نطق باللسان و عمل بالارکان»: ایمان همانا گره خوردن باور با قلب و اقرار با زبان و عمل با اندام‌های بیرونی (جوارحی) و درونی (جوانحی) است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۷۱). از این رو ایمان به خدا، شعورمندی هستی، عدم واکنش یکسان هستی در برابر خوبی و بدی، پیامبری محمد ﷺ و دیگر پیامبران علیهم السلام، وجود و ثبوت ارزش‌های اصیل الهی، مانند عدالت، آزادی معنوی، صداقت، سخاوت و غیره، ایمان به رستاخیز انسان‌ها و حتمیت سرانجام نیک و بد آنان در بهشت و دوزخ از متعلقات ایمان دینی به شمار می‌رود. ایمان به معنای اعتقاد قلبی به حقایق این امور و التزام عملی به لوازم این اعتقادات است.

واژه تقوا

واژه تقوا در اصل «وقوا» و از ریشه واژگانی وقایه، به معنای حفظ و نگهداشتن است (ابن‌منظور، ۱۳۷۵ق، ج ۱۵، ص ۴۰۲). تقوا در اصطلاح قرآنی، عبارت است از محافظت نفس از آسیب‌هایی که ممکن است به سبب مخالفت با فرمان‌های خداوند متعال فرد یا جامعه را گرفتار کند (راغب، ۱۳۶۹ق، ج ۳، ص ۴۷۹). به بیان دیگر، تقوا همان تجسد و تبلور واقعی ایمان قلبی و به معنای انجام رفتارهای خداپسندانه و ترک رفتارهای خداناپسند است (نراقی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۰۶). کم‌ترین حد تقوا، همان انجام واجبات و ترک محرّمات شرعی

است (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۱۵۵). البته معلمان اخلاق بر اساس مبانی و معارف اسلامی، برای تقوا سطوح و لایه‌هایی را برشمرده اند: ۱) تقوای عام و آن عبارت است از انجام واجبات و ترک محرمات شرعی؛ ۲) تقوای خاص و آن عبارت است از نگهداشتن و پیراستن نفس از خصلت‌های نکوهیده و آراستن آن به فضائل اخلاقی؛ ۳) تقوای خاص الخاص و آن عبارت است از محافظت دل از محبت و توجه به غیر خداوند (همان).

واژه برکت

واژه برکت در لغت: راغب اصفهانی در المفردات می‌گوید: اصل کلمه «برکت»، «بَرَک» - به فتحه باء - و به معنای سینه شتر است؛ لیکن در غیر این معنا نیز استعمال می‌شود. از آن جمله می‌گویند: «فلانی دارای برکت است»؛ و «بَرَک البعیر» به معنای این است که شتر سینه خود را به زمین زد و چون این معنا مستلزم يك نحو قرار گرفتن و ثبات یافتن است، از این رو کلمه برکت را در ثبوت، که لازمه معنای اصلی است، هم استعمال کرده و مثلاً می‌گویند: «ابتروکوا فی الحرب (در جنگ پای‌برجا شده و به عقب برنگشتند)». نیز به همین مناسبت، محلی را که مردان دلیر و شجاعان لشکر موضع می‌گیرند، «براکاءم و «بروکاء» می‌نامند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۹، ماده «برک»). همچنین در جایی که حیوان از راه رفتن باز می‌ایستد و به هیچ‌وجه تکان نمی‌خورد، می‌گویند: «ابتترکت الدابة» (چهارپای ثابت بر جای ایستاد). آب انبار را نیز به همین جهت «برکه» می‌نامند؛ زیرا آب انبار محل ثابت شدن و قرار گرفتن آب است. پس معنای برکت مستلزم نوعی ثبوت در متعلق آن است (ابن‌منظور، ۱۳۷۵ق، ج ۱۰، ص ۳۹۶، ماده «برک»).

برکت در اصطلاح ادب اسلامی به معنای ثبوت و پایداری خیر الهی در چیزی و رشد و افزایش آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۹).

۱. تفسیر آیه از زبان مفسران

مقصود از «برکات»، در آیه شریفه، انواع خیر فراوان است. استفاده از واژه برکات، استعاره بالکنایه است. زیرا برکتف امری عینی و قابل اشاره نیست؛ بلکه مفهومی انتزاعی است که از کیفیت کارکرد یک پدیده در رساندن خیر به دیگر موجودات، فهمیده می‌شود. برکات به مجاری‌ای (باران، نور، دما، خاک و غیره) که از مجرای آن، نعمت‌ها جریان دارد، تشبیه شده است؛ لکن این مجاری مسدود است و چون مردم ایمان آورند و تقوا بورزند، به قدر ایمان و

تقوا، بر آن‌ها جریان می‌یابد و از باران و برف و حرارت و برودت به مقدار نافع بر آنان فرو می‌بارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۲۰۱). مفسران برکت را به معنای خیر نافع و امری غیرمحسوس، اعم از مادی و معنوی، می‌دانند و بین آن و نظام جاری اسباب و مسببات منافاتی نمی‌بینند؛ چنان‌که معتقدند برکت، امری نسبی است و در هر چیزی به حسب هدفی است که در آن نهفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۲۸۰-۲۸۲). مثلاً وقتی گفته می‌شود فلان غذا برکت دارد، به معنای آن است که خیرات و منافعی که از آن غذا به خورنده می‌رسد، ثبات و استمرار دارد. ازاین‌رو هرچه کیفیت خیرسانی یک پدیده به چیزهایی که باید به آن خیرسانی کند، قوی‌تر، مانا تر و سودمندتر باشد و آسیب‌های کمتری از آن به دیگر موجودات و پدیده‌هایی که با آن مرتبط است برسد، آن پدیده، برکت بیشتری برای چیزهای دیگر خواهد داشت. براین‌اساس برکت، مفهومی انتزاعی است و از چگونگی کارکرد پدیده‌ها در ارتباط با پدیده‌های دیگر انتزاع می‌شود.

بر اساس این برداشت از آیه کریمه آنچه عامل و زمینه‌ساز سعادت کامل جامعه و آسایش عمومی و خیرهای نافع و فراوان اقتصادی و غیراقتصادی است، ایمان و تقوا (به معنای حقیقی و جامع آن) است. ازاین‌رو برای تشخیص وجود برکت در ظرفیت‌ها و زمینه‌های مادی و معنوی یک جامعه، نمی‌توان صرفاً به شاخصه‌های ابزاری و کمی مانند پیشرفت و پیچیده‌تر شدن تکنولوژی و صنعت آن جامعه استناد کرد. فن‌آوری پیشرفته، صنعت مدرن، رشد اقتصادی، نزول بارن و برف، زمین‌های حاصلخیز و غیره در صورتی که جامعه از ایمان و تقوا برخوردار نباشد و اهداف مؤمنانه و پرهیزگارانانه را دنبال نکند، برکتی را موجب نمی‌شود؛ زیرا برکت بودن یک چیز از دو جهت قابل بررسی است و این دو جهت به‌صورت لازم الجمع بودن، مکمل یکدیگراند: یکی نافع بودن خود آن پدیده از لحاظ وضعیت درونی و دیگر نوع استفاده‌ای که بشر از آن پدیده در جهت خیر و سعادت خود انجام می‌دهد. ازاین‌رو ممکن است پدیده‌ای از لحاظ وضعیت درونی، خیر و نافع باشد؛ اما انسانی که از ایمان و تقوا تهی است آن را در جهت نگون‌بختی خود و دیگران به‌کارگیرد؛ و نه تنها آن منافع را تباه سازد، بلکه آن را به عاملی برای نابودی خود و دیگران تبدیل کند. در این حالت، نه تنها آن زمینه‌ها و عوامل مادی به هدف مطلوب خود نمی‌رسد، و خیر مانا

و سودمندی را به جامعه نمی‌رساند، بلکه می‌تواند به عاملی علیه اهداف مورد انتظار تبدیل شده و جامعه را به سمت سقوط و انحطاط بکشانند (علق: ۶-۷ و انعام: ۴۴). برکت همانگونه که می‌تواند در رفتار یا کارکرد یک پدیده ارزیابی شود، ممکن است از مجموعه عوامل و پدیده‌های مرتبط با هم، که هدف واحدی را محقق می‌کنند، به دست آید. بنابراین یک جامعه فاقد ایمان و تقوا ممکن است در برخی از شاخصه‌های رفاه و رشد مادی، پیشرفت‌هایی را نشان دهد، اما به سبب فقدان یا ناکافی بودن ایمان و تقوای جمعی، برآیند فرایندها و دستاوردهای آن جامعه، برکتی را در پی نداشته باشد.

۲. ایمان و تقوای حقیقی در معارف اسلامی

پدیده ایمان در ادب قرآنی، صرفاً به معنای تصدیق ذهنی به برخی از گزاره‌ها نیست، بلکه به معنای عمق ارتباط وجودی با حقایقی است که مؤمن وجود آن را در گستره هستی باور دارد و زندگی خود را در همه لایه‌ها، سطوح و ابعاد بر پایه آن و متناظر با آن هدفگذاری، مدیریت و کنترل می‌کند. ایمان واقعی عبارت است از عقیده قلبی به حقایق هستی و رفتار بر اساس آن اعتقادات و در جهت اهداف غایی الهی و محقق ساختن ارزش‌های اصیل در زندگی انسان. خداوند متعال در آیات ابتدایی سوره مبارکه مؤمنون، مؤمنان را (در واقع نقش ایمان در ابعاد وجودی فرد را) این چنین توصیف کرده است: «یقیناً اهل ایمان رستگارند؛ همان‌ها که در نمازشان خاشع‌اند (دلی فروتن و ترسان از مقام و عذاب الهی دارند) و از رفتار بیهوده روی گردان‌اند و زکات می‌دهند و کسانی که نگهدارنده اندام‌های جنسی خود از گناه‌اند (زنا و لواط و استمنا)، مگر در رابطه با همسران و کنیزان‌شان، که در این‌گونه ارتباط‌ها سرزنی بر آنان نیست؛ پس هرکس (برای لذت جنسی) جز این دو راه را بجوید، از تجاوزکاران است؛ و (مؤمنان) کسانی‌اند که در امانت و بر عهد خود مراقبت دارند و بر نماز خود محافظت می‌ورزند. آنان همان وارثان‌اند که بهشت فردوس را به ارث خواهند برد!». البته آیات دیگری از قرآن مانند: آیات ۲-۴ سوره انفال، هم به توصیف ویژگی‌های دیگر از مؤمنان پرداخته است. مجموعه خصوصیات مطرح شده در این آیات، الزاما و اطلافا بر ساحت فردی و ساحت اجتماعی انسان‌ها انطباق دارد؛ اطاعت از رسول خدا ﷺ (و حاکم عادل و مشروع) در امور سیاسی و نظامی (نور: ۶۲)، ترسان شدن دل و افزایش ایمان هنگام شنیدن آیات قرآن و اعتماد به فرمان‌ها و وعده‌ها و وعیدهای خداوند

حکیم (انفال: ۲)، برخی از دیگر خصوصیات است که برای اهل ایمان بیان شده است. نکته مهمی که در فهم معنای ایمان در قرآن کریم باید به آن توجه کنیم این است که قرآن کریم علاوه بر شخصیت و هویتی که برای فرد انسانی قائل است، هر جامعه (و به تعبیر قرآن، امت) را دارای شخصیت و هویت واحد دانسته (اعراف: ۳۴) و برای آن سنت‌ها و قوانینی معرفی می‌کند. بر اساس این نگرش مبنایی ممکن است سرنوشت یک جامعه با سرنوشت تک تک افراد آن جامعه متفاوت باشد؛ یعنی ممکن است فرد، مؤمن ولی جامعه بی‌ایمان یا فرد، بی‌ایمان و جامعه مؤمن باشد! قرآن همچنانی که فرد را مخاطب قرار می‌دهد، جامعه را هم مخاطب ساخته و به افکار، انگیزه‌ها و رفتارهای صحیح فرا می‌خواند (طه: ۸۰). براین اساس وقتی جامعه در کلیت آن به ایمان و تقوا پشت کند، ایمان و تقوای برخی از افراد آن جامعه در تغییر سرنوشت بد جامعه مؤثر نخواهد بود. هرچند خداوند برای رهایی آن مؤمنان و محافظت آنان از آسیب‌های بیش‌تر به آنان یاری می‌رساند (اعراف: ۱۶۵)؛ اما مسلماً مؤمنان هم از سرنوشت بد جامعه بی‌ایمان و بی‌تقوا مصون نخواهند بود (انفال: ۲۵)، خصوصاً اگر امر به معروف و نهی از منکر را به شایستگی برگزار نکنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۸، ص ۲۹۳).

واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست؛ بلکه کار (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۰۹)، تلاش هدفمند و نافع (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)، سیاست‌ورزی صحیح (احزاب: ۱)، علم‌جویی (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)، حرکت اصلاحی فردی و اجتماعی (بقره: ۱۸۹)، نظم (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳) دوراندیشی (همان)، اندازه‌گیری و محاسبات عقلانی در زندگی (همان)، همگرایی و انسجام اجتماعی، رایزنی و مشورت در همه امور مخصوصاً، امور کلان اجتماعی (شوری: ۳۸)، تلاش برای حفظ منافع ملی و اجتماعی و پرهیز از اقدامات ناسنجیده (نساء: ۸۳)، پرهیز از اسراف و مصرف‌زدگی (اعراف: ۳۱)، اجتناب از ریخت و پاش‌ها و تباه‌کردن سرمایه‌ها و درآمدها (اسراء: ۲۶ و ۲۷)، نظام اقتصادی مبتنی بر عدالت و تولید واقعی (بقره: ۲۷۵-۲۸۱)، نظام قضایی عدالت‌محور و تلاش پیگیر برای رعایت حقوق افراد و امانت‌داری (نساء: ۵۸)، اخلاق نیکو و نرم‌خویی در ارتباطات اجتماعی (آل عمران: ۱۵۹) و بسیاری از ویژگی‌های مطلوبی که سامان‌بخش نیازها

و مسائل فردی و اجتماعی است و بدون آن نه تنها مشکلات انسان‌ها حل نمی‌شود، بلکه در نبود آن معضلات افزون‌تر و پیچیده‌تری پدید می‌آید. تقوا، مفهوم جامعی است که همه شؤون فردی و جمعی انسان‌ها را در همه ابعاد و سطوح زیر پوشش خود دارد و همه فضائل عقلی، علمی و عملی فرد و جامعه را شامل می‌شود. امام علی علیه السلام در توصیف جایگاه تقوا نسبت به دیگر فضائل نظری و عملی انسان می‌فرماید: «تقوا رئیس اخلاق است» (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۰). اخلاق از منظر اسلامی، همه شؤون عقلی، عاطفی و رفتاری انسان را در بر می‌گیرد. اخلاق به یک معنا، سبک اندیشیدن، عاطفه‌ورزیدن و رفتار کردن است و از این‌رو به تمامیت زندگی انسان نظر دارد. بر این اساس رعایت برخی از مؤلفه‌های تقوا در زندگی فردی و اجتماعی، هرگز آثار و پیامدهای مثبت تقوای کامل و جامع را به دنبال نخواهد داشت. در فرهنگ اسلامی تقوا به معنای تخلق به همه فضائلی است که انسان را برای هماهنگی با هستی و تحقق قرب الی الله تربیت و آماده می‌کند (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۳). از این‌رو می‌توان تقوا را به زندگی بر اساس مشیت و اراده تکوینی و تشریحی خداوند معنا کرد. به تعبیر روشن‌تر، تقوا؛ یعنی سبک زندگی منطبق با اراده تکوینی و تشریحی خداوند. هرچه سبک زندگی فردی و جمعی انسان‌ها در همه شؤون و ابعاد با مشیت الهی و احکام و ارزش‌های تشریحی خداوند، انطباق بیشتری داشته باشد، تقوا در زندگی آن‌ها ظهور و بروز بیشتری یافته است. با مرور آیات و روایات اسلامی به روشنی می‌توان دریافت که گستره قوانین، ارزش‌ها، برنامه‌ها و چارچوب‌های تشریحی خداوند، به واجبات و محرمات شرعی در حوزه عبادات فردی محدود نیست، بلکه همه عرصه‌هایی که شرع مطهر، عقل مؤید و تجربه مفید انسانی برای زندگی مطلوب‌تر فردی و جمعی مشخص می‌کند و راهکارهای مؤثری که شرع، عقل و علم بر صحت آن تأکید می‌ورزند، در محدوده مشیت تشریحی الهی قرار می‌گیرد. در قرآن کریم ویژگی‌های گوناگونی دیگری هم برای اهل ایمان و تقوا بیان شده است. ایمان به غیب، اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به قرآن، پیامبران پیشین، یقین به جهان پس از مرگ (بقره: ۳-۴)، هوشیاری در برابر وسوسه‌های شیاطین انسی و جنی (اعراف: ۲۰۱)، انجام کار برای خدا و پذیرش شایسته‌سالاری (مائده: ۲۷)، تلاش برای آبادانی زمین (هود: ۶۱)، اجتناب از ظلم در

همه چهره‌های فردی و اجتماعی (انعام: ۸۲) دیگر ویژگی‌هایی است که قرآن کریم برای انسان‌های با ایمان و تقوا برشمرده است. آنچه در این بحث از مفهوم ایمان و تقوا، مورد توجه و ملاک سنجش قرار می‌گیرد، ایمان و تقوا، به معنای جامع آن است. ایمان به معنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود فردی و جمعی در همه سطوح و ابعاد، با مشیت خداوندگار و حرکت به سوی هدفی است که همه هستی به سوی آن در تکاپوست (بقره: ۱۵۵-۱۵۷ و انشقاق: ۶).

۳. ارزش‌گذاری متفاوت در مصادیق و جلوه‌های تقوا

توجه به این نکته لازم است که فضائل اخلاقی هم از لحاظ اهمیت در جایگاه و رتبه یکسانی قرار ندارند. بنا به روایتی از امام صادق علیه السلام سه خصلت و رفتار اخلاقی است که هیچ عذری در ترک آن پذیرفته نیست و وانهادن آن از سوی فرد و جامعه عواقب بدی را به دنبال دارد: (۱) خیررسانی به والدین، چه نیک‌رفتار و چه بدرفتار باشند، (۲) ادای امانت به صاحبش، چه نیک‌رفتار و چه بدرفتار، (۳) وفای به عهد، چه با نیک‌رفتار و چه با بدرفتار» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۵۶). در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام درباره سلامت اخلاقی و روانی فرد و جامعه چنین بیان شده است: هرگز به فراوانی نمازها و روزه‌ها و ناله‌های شبانه آنان ننگرید (و آن را ملاک قضاوت نیک و بدشان قرار ندهید)، بلکه بنگرید به صدق در گفتار ادای امانت در میان‌شان! (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۶). این روایت و روایات مشابه به خوبی نشان می‌دهد که صرف پرداختن به مناسک عبادی در یک جامعه، نه نشان از سلامت ایمانی آن جامعه دارد و نه آثار ایمان و تقوای حقیقی را به وجود می‌آورد. اساسا مناسک دینی و عبادات عملی فردی و اجتماعی برای تقویت و بالندگی خصلت‌های نیک شخصیتی و اخلاقی قرار داده شده و مادام که چنان خصلت‌هایی را پدید نیاورده و رشد ندهد، حکایت از آن دارد که همان مناسک عبادی هم به صورت صحیح و درستی انجام نگرفته است. از آیات و روایات اسلامی به خوبی قابل فهم است که برخی از گناهان اخلاقی نسبت به گناهان دیگر آثار سهمگین‌تر دنیایی و آخرتی، حتی برای افراد و جوامع مسلمان دارد؛ همچنانکه برخی از رفتارها و اخلاقیات مطلوب، آثار نیکی حتی برای افراد و جوامع کافر به دنبال دارد. به عنوان مثال گناهانی مانند غیبت (حجرات: ۱۲)، تهمت (احزاب: ۵۸)، بی‌عدالتی (هود: ۱۸)، خیانت در امانت (انفال: ۲۷)، ظلم (اعراف: ۴۱)، اسراف (اعراف:

۳۱)، و نهادن امر به معروف و نهی از منکر (مأئده: ۵)، تفرقه و واگرایی اجتماعی (آل عمران: ۱۰۳)، ویژه‌خواری و سوء استفاده از مقام و موقعیت سیاسی حاکمان (بقره: ۱۸۸)، بی‌اعتنایی به عقل‌ورزی و تلاش و تکاپوی هدفمند برای آبادانی زندگی (بقره: ۱۷۱)، استبداد و خودکامگی حاکمان (آل عمران: ۱۵۹) و ده‌ها خصلت دیگری که هرکدام به تنهایی برای نابودی و ناکامی فرد و جامعه کافی است. بنابراین اگر برخی از جوامع کافر و سکولار را در پاره‌ای از زمینه‌ها موفق و کامیاب می‌بینیم یا برخی از جوامع مسلمان را به سبب پاره‌ای از مشکلات و معضلات، گرفتار سختی و رنج مشاهده می‌کنیم، ریشه در این دارد که پاره‌ای از رفتارها و ویژگی‌های نیک در آن جوامع کافر وجود دارد و در این سو بسیاری از مسلمانان به سبب تصور نادرست از معنای ایمان و تقوا، نسبت به امور مهمی که گفته شد، بی‌توجه و بی‌اعتنا رفتار می‌کنند.

۴. آسیب‌شناسی برکت در جهان غرب و جهان اسلام

پیشرفت و ثبات شاخص‌های بهبود رفاه فردی و اجتماعی، همچون کاهش فقر، تأمین اجتماعی پایدار، کاهش یا رفع تورم، ثبات اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری‌های مشروع و رفع بیکاری مهم‌ترین اهداف همه کشورها در حوزه مسائل اقتصادی و معیشتی است. اقتصاد پایدار، پویا، درون‌زاد و معطوف به عدالت اجتماعی یکی از عوامل مهم امنیت اجتماعی و سلامت روانی هر جامعه به شمار می‌رود (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷)؛ بر خلاف تلقی مدرن از شاخصه‌های زندگی مطلوب، اقتصاد سالم، تنها شاخصه موفقیت و رشد یک جامعه نیست. در کنار اقتصاد سالم، رشد اخلاق و معنویت و توجه جامعه به اهداف فرامادی هم برای ارزیابی جامعه مطلوب لازم است و اساساً اقتصاد سالم بدون رشد شاخصه‌های فضائل اخلاقی و معنویت متعالی ممکن نیست (نحل: ۱۱۱-۱۱۴). جامعه‌ای که به فرض، به اقتصاد سالم و پویا دست یافته، ولی فضائل اخلاقی و فرامادی را در خود نهادینه نکرده، جامعه‌ای است که روحیه منقبض‌شدن در بدن و لذت‌های بدنی را تقویت کرده و خودخواهی را به‌عنوان خصیصه‌ای سلطه‌جو بر ذهن و قلب شهروندان خود چیره می‌کند. جامعه‌ای از فضائل اخلاقی یقیناً از اقتصاد قدرتمند خود نه برای اهداف متعالی، بلکه به سود غرق‌شدن هرچه بیشتر در شهوت‌ها و لذت‌جویی‌ها بهره خواهد برد. ثروت مادی اگرچه می‌تواند ابزار خوبی برای سامان دادن برخی از مشکلات زندگی باشد؛ اما اگر همراه

اخلاق و فضائل معنوی نباشد، به ابزاری برای دنیازدگی و شهوت‌پرستی تبدیل می‌شود و انسان‌ها را به انحطاط وجودی می‌کشاند (علق: ۶-۷). از نگاه قرآن کریم موفقیت جامعه‌ها در رسیدن به رشد و بالندگی همه جانبه، بر وجود زمینه‌ها و عوامل متعدد مادی و معنوی متوقف و موقوف است. حتی یک بررسی گذرا و غیرعلمی هم به خوبی نشان می‌دهد که هم در جهان غرب و هم در جهان اسلام، مقوله ایمان و تقوا در اندازه و کیفیت مطلوب آن در هیچیک از این جوامع صورت واقع نیافته و رعایت نمی‌شود؛ به همین سبب هم جهان غرب و هم جهان اسلام با مشکلات فراوانی در قلمروهای گوناگون اقتصادی، سیاسی و غیره مواجه‌اند. بله در برخی از کشورهای غربی شاهد رفاه نسبی موجود در میان طبقه متوسط جامعه هستیم. این رفاه نسبی، معلول کار منضبط، تلاش پیگیر، به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی، پرهیز از تن‌آسانی و تنبلی و رعایت نظم و کار عالمانه تجربی است و این خصوصیات، خود بخشی از مؤلفه‌های مفهوم جامع تقوا به شمار می‌رود؛ زیرا نظم، تلاش، همت، برنامه‌ریزی و دوراندیشی، توجه به علم و دانش، وجدان کاری از مهم‌ترین عناصر اخلاقی است و در مفهوم تقوا گنجد است. اما برخلاف برخی تصورات عامیانه، کشورهای پیشرفته غربی هم در حوزه‌های مختلف زندگی از مشکلات فراوان و پیچیده‌ای رنج می‌برند و هنوز نتوانسته‌اند به وضعیت مطلوبی در همه حوزه‌های زندگی انسانی دست پیدا کنند. سختی معیشت، که مستلزم اشتغال همزمان اعضای خانواده برای تأمین نیازمندی‌های روزمره است، فروپاشی خانواده، آمار قابل‌توجه خودکشی، قتل، جنایت، سوء مصرف مواد مخدر، فراگیری بیماری‌های جسمی و روانی مانند ایدز، افسردگی و فروکاهش روبه فزونی تعاملات عاطفی میان افراد جامعه، خصوصا اعضای خانواده و فامیل تنها بخش ناچیزی از مشکلات موجود در جوامع غربی است (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۱۱۲-۱۱۳). آیا برای اینگونه مشکلات، سببی جز دورشدن این جوامع در حوزه فرهنگ عمومی و سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی و سیاسی از آموزه‌های انبیا و غرق‌شدن در فرایندها و اهداف سودمحورانه و لذت‌طلبانه؛ یعنی فاصله گرفتن از پاره‌ای دیگر از مؤلفه‌های مفهوم تقوا (اجتناب از محارمی مثل شرب خمر، ربا، ظلم به کشورهای و ملت‌های دیگر، عفت، عدالت اجتماعی و اقتصادی و غیره)، می‌توان تصور کرد؟! از آنجا که جوامع غربی اکثرا بر

اساس نظام فکری لیبرالیسم اداره می‌شود و آزادی اقتصادی با جهت‌گیری رشد، مهم‌ترین اصل مقبول لیبرالیستی است، اصل عدالت اقتصادی و اجتماعی در این جوامع، مقبول و معمول نیست و به همین علت، بیش‌ترین ثروت‌های تولید شده توسط اکثریت جامعه به اقلیت ناچیزی از ثروتمندان تعلق گرفته و اکثریت مردم از حداقل ثروت تولید شده برخوردار می‌شوند (بیات، ۱۳۸۱، ص ۴۷۶). از سوی دیگر در کشورهای اسلامی به علت وجود عوامل و زمینه‌های گوناگون جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اعتقادی، متأسفانه شاهد عقب‌ماندگی‌های بسیاری هستیم. تحلیل و تبیین این عقب‌ماندگی‌ها و نابسامانی‌ها، کار ساده و آسانی نیست و نیازمند بحث‌ها و تحقیقات زیادی است.

۵. جلوه‌های برکت و خیر حقیقی

ممکن است گفته شود که ما با بررسی تاریخ و حتی مرور آیات قرآن درباره امت‌های پیشین، مشاهده می‌کنیم گروهایی که همواره در برابر پیامبران قرار داشتند؛ یعنی همان ملاً، معمولاً از طبقه اشراف مستکبر و برخوردار از مواهب مادی و دارای ثروت‌ها و امکانات اجتماعی بوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۱۸۵). امروزه هم می‌بینیم که بسیاری از جوامع کافر و فاسق، دارای رفاه مطلوب و غرق در نعمت‌های مادی‌اند؛ به‌گونه‌ای که حتی گاهی گندم‌های اضافی خود را به دریا می‌ریزند تا قیمت کالاهای آنان در بازارهای جهانی کاهش نیابد؛ در مقابل، جوامع اسلامی معمولاً با فقر، محرومیت و نابسامانی‌های مختلف روبه‌رو بوده و برای حل مشکلات‌شان به جوامع کافر و سکولار نیازمندند. برخی از کشورهای مسلمان حتی برای زنده ماندن و گریز از قحطی‌های هلاکت بار به کمک‌های کشورهای غربی نیاز دارند. در حالی که طبق آیه مذکور باید از لحاظ تنعم و وفور نعمت‌های برکت‌آمیز از غربیان وضع بهتری داشته باشند! اگر در گذشته ملاً و امروز کشورهای سکولار و حتی ضد خدا، فاقد ایمان و تقوا هستند، پس چرا این همه وفور نعمت و رفاه مادی آنان را فرا گرفته است؛ در حالی که طبق سنت برکت، باید در فقر و فلاکت و بیچارگی به سر برند؟

۶. نامساوی بودن رفاه مادی با برکت

پاسخ این است که: اولاً در این آیه سخن از برکت است نه رفاه یا وفور نعمت‌های مادی:

«... درهای برکت را بر روی آنها می‌گشاییم...». نیک پیداست که برکت، خود ثروت و تنعم مادی و رفاه نیست؛ ثروت و امکانات مادی می‌تواند حامل برکت الهی باشد. وفور نعمت‌های مادی، زمانی خیر و برکت به حساب می‌آید که فرد و جامعه را در پیش‌برد اهداف جامع و عالی انسانی و ارتقای همه‌جانبه مادی و معنوی یاری کند و علاوه بر آسایش، آرامش روانی، اخلاق متعالی، عدالت و مساوات، برادری و عواطف مثبت را زنده و پویا نگهدارد؛ به‌گونه‌ای که در پرتو آن برکت‌ها، پیوندهای انسانی مستحکم شود، نوع دوستی و مهربانی گسترش یابد و امنیت در همه سطوح، افراد جامعه را دربرگیرد. آیا می‌توان جریان پویای عواطف مثبت انسانی در جوامع اسلامی را که محصول همین ایمان و تقوای ناقص است، با روحیه خشن، سرد و کم‌عاطفه موجود در جوامع غربی برابر دانست؟! آیا می‌توان انکار کرد که اکثر افراد در کشورهای غربی برای فرار از احساس آزاردهنده تنهایی و بی‌محبتی به زندگی و انس با حیواناتی مانند سگ پناه می‌برند؟! اساسا علت اهمیت سگ در زندگی مردم در غرب چیست؟ آیا به این سبب نیست که در آن جوامع، افراد برای تجربه احساس محبت و وفاداری از تعاملات انسانی ناامید شده و به تعاملات عاطفی با حیوانات پناه می‌برند؟! در مقابل، آیا می‌شود بسیاری از جلوه‌های برکت در جوامع اسلامی، مثل عواطف خانوادگی ریشه‌دار، کمک‌های انسان دوستانه نسبت به همه کشورها، انواع مراکز خیریه و کمک‌های داوطلبانه، حساسیت نسبت به ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های جهانی و بین‌المللی، ... را نادیده گرفت و به حساب نیاورد؟! مقصود از این مقایسه هرگز دفاع از عیب‌ها، کم‌کاری‌ها، عادات بد فردی و جمعی، بی‌انضباطی‌ها، بی‌نظمی‌های موجود در سطح فرهنگ عمومی و نخبگان سیاستگذار در جوامع اسلامی نیست؛ بلکه مقصود ارائه تحلیل و تبیینی منصفانه و دقیق از علل و عوامل و پیامدهای خیرها و شرهای موجود در دنیای غرب و اسلام است. پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و تحول عمیقی که در بنیادهای فکری ملت مسلمان و پیرو اهل بیت علیهم‌السلام رخ داد، بهترین نمونه برای مصداق‌یابی سنت برکت الهی است. ملت ایران در پرتو رهبری فکری و سیاسی عالمان دینی آگاه و روشن‌بین مانند امام خمینی رحمته‌الله و آیت‌الله خامنه‌ای، مفاهیم و ارزش‌های حقیقی اسلام را بهتر از گذشته دریافتند و با تلاش و مجاهدت بی‌نظیر خود

تحولات و دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های بسیار گسترده و عمیقی را در عرصهٔ مختلف اقتصادی، تولید علم، فن‌آوری، خدمات عمومی، محیط زیست و دیگر ابعاد مادی و معنوی کشور بزرگ ایران ایجاد کردند؛ به‌گونه‌ای که از کشوری که در همه ابعاد و عرصه‌های پیشرفت در جایگاه نازل و کم‌اهمیتی برخوردار بود، کشوری پیشرفته و مهم در عرصه جهانی بر ساختند (نوروزی و همکاران، [بی‌تا]، ص ۲۵۴).^[۱]

ثانیا: بررسی منابع و عوامل تاریخی پیشرفت‌های مادی جهان غرب مسئله مهم دیگر است. هرگز قابل انکار نیست که بخش زیادی از ثروت و رفاهی که امروزه در کشورهای غربی (مثل انگلستان، فرانسه و آمریکا) وجود دارد، محصول غارت و چپاول تاریخی منابع و ثروت‌های کشورهای ضعیف و فقیر جهان در دوران استعمار کهنه، نو و فرانو است (پل بارن، به نقل از کاوه آزادمنش، ۱۳۵۹، ص ۲۶۸-۲۶۹).

استعمار در همه جلوه‌های خود، با شیوه‌های متنوع و به کار گرفتن پیشرفت‌های علمی و فن‌آورانه در هر دوره تاریخی، کوشیده است تا ضمن غارت ثروت‌ها و امکانات کشورهای ضعیف، آنان را در عقب‌ماندگی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نگه دارد. سال‌ها بلکه قرن‌هاست که پادشاهان و سران بسیاری از کشورهای اسلامی در ابزار قرار گرفتن برای سیاست‌های غیرانسانی کشورهای زورگو به جوامع اسلامی خیانت کرده و می‌کنند و همواره هم از جانب سیاستمداران، حاکمان همان کشورهای غربی تأیید و حمایت شده و می‌شوند. راه‌اندازی جنگ‌های مختلف در میان فرقه‌ها، گروه‌ها و کشورهای مسلمان و زمینه‌سازی برای فروش سلاح‌ها و ادوات جنگی به برخی از کشورهای غرب آسیا در ادامه همان سیاست‌های شیطانی کشورهای غربی در بناکردن رفاه اقتصادی خود بر خرابه‌های فرهنگ و اقتصاد جوامع مسلمان است. آیا چنین ثروت افزونی‌ها و دست یافتن به چنان رشدهای اقتصادی را می‌توان مصداق برکت الهی نامید؟! آیا می‌توان این رفاه و پیشرفت ظاهری را برکات و خیرهای نازل شده از سوی خداوند نام نهاد؟! (لیبرته، ۱۳۳۷، ص ۳۷).

۷. رفاه بدون ایمان و تقوا، مقدمه عذاب الهی

بنابه آیات قرآن کریم و گفتار پیشوایان دین رفاه و تنعم بدون رعایت تقوا و اخلاق و همراهی فضائل انسانی، نه تنها آسایش و خوش‌بختی انسان‌ها را موجب نشده، بلکه خود وسیلهٔ پدیدآمدن رنج‌ها و گرفتاری‌ها و مقدمه عذاب‌ها و کیفرهای گوناگون دنیایی و آخرتی است.

مفاهیم ابتلا (انعام: ۴۲-۴۶)، استدراج (اعراف: ۱۸۲)، امهال (آل عمران: ۱۷۸)، عذاب (نساء: ۵۶) و غیره در قرآن کریم، که هر کدام به سنتی از سنت‌های الهی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها اشاره دارد، گویای این حقیقت است که رفاه مادی و حیوانی همیشه عامل خوشبختی و آرامش و آسایش مانا و سودمند برای انسان‌ها نیست، بلکه گاهی عامل آزمایش (اعراف: ۹۵)، استدراج (اعراف: ۱۸۲) و کیفر فرد و جامعه (آل عمران: ۱۷۸) است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۴، ج ۴، ص ۸۰).

۷-۱. سنت آزمایش

قرآن کریم در تبیین سنت آزمایش انسان‌ها و امت‌ها می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَعَثَةٌ فَاِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ»؛ «یقیناً به سوی امت‌های پیش از تو رسولانی را فرستادیم، پس آنان را به انواع سختی‌ها و دشواری‌ها مبتلا ساختیم تا شاید خاضعانه به درگاه خداوند بازگردند. پس چه شد که وقتی گرفتار عذاب ما شدند متضرعانه توبه کردند ولی دل‌هاشان سخت شد و شیطان کارهاشان را برایشان زینت داد. پس چون آن چه از (نصایح و توصیه‌هایی که) به آن‌ها یادآوری کردیم را فراموش کردند، ابتدا درهای هرخیری را به روی شان گشودیم؛ ولی هنگامی که (غافلانه و سرمستانه) غرق شادمانی بودند و امر (وفور نعمت‌ها را نشانه خوشبختی خود می‌پنداشتند) بر ایشان مشتبه می‌نمود، به ناگاه آنان را (با کیفری سخت) گرفتیم (و هلاک‌شان کردیم)» (انعام: ۴۲-۴۶).

۷-۲. سنت استدراج

خداوند سبحان در تبیین سنت استدراج (میدان دادن به ستمکاران و اجازه ستم‌کاری و بدرفتاری بیشتر به آنان و ناگاه با کیفر سخت هلاک کردن) می‌فرماید: «فَدَرَرْنَا وَمَنْ يَكْذِبْ بِهِذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ أُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ»؛ «پس مرا با کسانی که قرآن را تکذیب می‌کنند واگذار! به زودی از آن جا که نمی‌دانند در استدراج‌شان قرار می‌دهیم و به آنان مهلت می‌دهم (و سپس با عذابی سخت کیفرشان خواهم داد!) همانا نقشه من استوار و حساب‌شده است!» (اعراف: ۱۸۲-۱۸۳). استدراج از ریشه واژگانی درجه، به معنای پله نردبان یا راه پله (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۹۰)، در ادب قرآنی به معنای این

است که خداوند ظالمان را درجه به درجه و پله پله به کیفر بزرگ نزدیک می‌کند و به آنان اجازه می‌دهد که از همه ظرفیت‌های خود برای توسعه منکر و گناه بهره‌برند و ناگاه آنان را از آنجا که گمان نمی‌برند گرفته و کیفر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۷۹-۸۲).

۷-۳. سنت امهال و کیفر

در سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «و کسانی که به حقایق هستی کفر ورزیدند، مپندارند که آن زمان را که به آنان مهلت دادیم، برای آنان خیر است، جز این نیست که به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهشان بیفزایند و برای آنان کیفری خوارکننده خواهد بود» (آل عمران: ۱۷۸). در سوره ابراهیم می‌فرماید: «و خداوند را از کردار ستمکاران غافل مپندار؛ جز این نیست که کیفر آنان را به روزی واگذاشته‌ایم که چشم‌ها از هیبت آن خیره ماند!». در این دو آیه شریف به سنت امهال و کیفر اشاره شده و سخن خداوند گویای این است که سنت الهی در این جهان، مدارا و مهلت دادن به کافران ناسپاس و ستمکاران لجاج را اقتضا دارد تا هرکس آنچه در توان دارد در راهی که انتخاب کرده به‌کارگیرد و به سرانجام خود نائل شود. از این‌رو اگر در مقیاس کوچک و بزرگ می‌بینیم که برخی از کافران و ظالمان در تنعم و لذت غوطه‌ورند و گویا خداوند از اعمال و رفتارهای آنان غافل مانده است، از آن‌روست که ما به هدف خداوند از برپایی این جهان و سیر زندگی بشر غافل می‌شویم و گمان می‌کنیم که این جهان برای پاداش یا کیفر خوبکاران و بدکاران آفریده شده است. در حالی که جهان ماده، جهان پرورش استعدادها، نیک و بد وجود آدمی برای شکوفا شدن در عالم ملکوت است. انسان‌های خوب و بد با استفاده از نعمت‌های الهی و بسته به اختیار و انتخاب خود، ابعاد مختلف وجودی خویش را پرورش داده و درخت بهشتی «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» یا دوزخی «إِنَّ شَجَرَتَ الْأَرْزُقُومِ ﴿۱۰﴾ طَعَامٌ الْأَيْمِمْ» آن را در جهان پس از مرگ و عالم ابدیت به تماشا خواند نشست و از میوه آن خواهند خورد و از شیرۀ آن خواهند نوشید. در برنامه ربوبی حضرت حق جل و علا شتاب در پاداش و رحمت و مغفرت هست اما عجله در عقوبت و کیفر نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۷۹-۸۲).

۷-۴. سنت پاداشی کافران در دنیا

بنابه معارف قرآنی، خداوند عزیز و مهربان بر اساس ربوبیت تکوینی و تشریحی و فیض بی‌پایان رحمت خود عمل، هیچ عاملی، از زن و مرد را بی‌پاداش نمی‌گذارد (آل عمران: ۱۹۵؛

بقره: ۱۲۶؛ زلزال: ۸). هرکس کار خوب یا بدی انجام دهد، پاداش آن را در این یا آن جهان خواهد دید و خداوند به اندازه ذره‌ای به کسی ستم نخواهد کرد (انبیاء: ۴۷). از این رو انسان‌های با ایمان، که سبک زندگی خود را در همه سطوح، بر مشیت الهی و ربوبیت تشریحی او قرار داده‌اند، پاداش نیات و اعمال صالح خود را از همین جهان تا ابدیت دریافت خواهند کرد و چون بهشت موعود خداوند جای هیچ ملال، رنج و عذابی نیست (مریم: ۶۲)، ناگزیر اگر کارهای ناشایستی هم از آنان سرزند در همین جهان یا در فرایند انتقال از این جهان به جهان آخرت، به کیفر اعمال بد خویش خواهند رسید و پاک و پیراسته از بدی‌ها خداوند را در بهشت ملاقات خواهند کرد (کهف: ۱۰۷ - ۱۱۰). اما کافران ناسپاس و ستمکاران عنود هم ممکن است در این جهان کارهای خوبی انجام دهند که عدالت بی‌کران الهی باید آن را بی‌پاسخ نگذاشته و پاسخ خوبی را با خوبی بدهد (الرحمن: ۶۰). از آنجا که سرنوشت کافران معاند و ظالمان نافرمان، دوزخ است (نساء: ۵۶) و در دوزخ جز رنج و عذاب نیست (کهف: ۲۹)، ناگزیر پاداش خوبی‌های آنان در همین جهان داده می‌شود تا در جهان آخرت از خداوند عادل مطالبه‌ای نداشته باشند. کافران معتقدند که ورای این جهان، جهانی نیست و انسان‌ها پس از مرگ، نیست و نابود می‌شوند. از این رو با زبان هوشمندی خود طالب پاداش خوبی‌هایشان در همین زندگی دنیا هستند و خداوند واسع و علیم هم پاداش آنان را تا آنجا که نظم و قانونمندی این جهان اقتضا دارد (اسراء: ۱۸) در همین دنیا خواهد داد. از منظر قرآن کریم جهان ماده و نعمت‌های مادی گنجایش و ظرفیت پاداش الهی برای ایمان و عمل صالح را ندارد و آنچه به اهل ایمان در این جهان می‌رسد، پاداش آنان نیست. پاداش ایمان و عمل صالح در جهان آخرت و در بهشت به مؤمنان می‌رسد (سجده: ۱۷) و از این رو در مجموع، تمتعات اهل ایمان در دنیا نسبت به تمتعات کافران کم‌تر است. هرچند به تصریح قرآن کریم از آنجا که هدف خداوند از خلقت این عالم پیدایش انسان‌های با ایمان بوده است، آنچه از خیرات و نعمت‌ها نصیب کافران می‌شود هم به برکت وجود اهل ایمان است (اعراف: ۳۲). خداوند در سوره مبارکه زخرف آیه ۳۳ تصریح می‌کند که اگر بیم آن نبود که اهل ایمان در ایمان خود دچار تردید می‌شدند، زندگی مرفه و تمتعات کافران را آن قدر فراوان می‌کردیم که خانه‌هایشان را از نقره بسازند و برای خود کاخ‌ها و قصرها برپا کنند؛ زیرا جهان آخرت و نعمت‌های آن از آن مؤمنان است؛ نعمت‌هایی که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب کسی خطور کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۱۰۱). در بهشت همه چیز بسته به اراده و

خواست مؤمن پدید می‌آید و مؤمنان زندگی بهشتی خود را هرگونه که خود دوست دارند برپا می‌کنند. بنابراین چشم دوختن به شوکت و شکوه ظاهری و دنیایی مستکبران و کافران و تصور اینکه آنان در درگاه خداوند از مؤمنان عزیزتر و محبوب‌ترند، پنداری باطل و بی‌اساس است (آل عمران: ۱۹۵ - ۱۹۸).

نتیجه

یکی از سنت‌های خداوند دربارهٔ جامعه‌ها، سنت برکت است. سنت برکت حامل این حقیقت است که اگر افراد جامعه اهل ایمان و تقوا باشند، برکت‌های خداوند از زمین و آسمان بر آنان فرو می‌بارد و اگر چنین نباشند، به عذاب‌های گوناگون گرفتار می‌شوند. لذا مقصود از ایمان و تقوا در این آیه، ایمان و تقوا به معنای جامع و حقیقی آن است و منظور از آن صرفاً رعایت مناسک دینی نیست؛ همچنانکه مقصود از برکت، صرف و فور نعمت‌های مادی نیست؛ بلکه برکت مفهومی انتزاعی است و از سودمندی حقیقی نعمت‌های مادی در زندگی انسان‌ها انتزاع می‌شود.

از طرف دیگر پیشرفت علمی و تکنولوژیک و تحقق رفاه اقتصادی، حتی در صورتی که همه افراد و طبقه‌های اجتماعی را زیر پوشش خود بگیرد، اگر همراه با معنویت حقیقی، رعایت اخلاق الهی و پاسداشت عدالت و حقوق همه انسان‌ها و به سعادت ابدی آن‌ها معطوف نباشد، نه تنها خیر و برکتی را به دنبال ندارد، بلکه خود عامل مهمی برای پیدایش بحران‌های اجتماعی، خصوصاً در حوزهٔ اخلاق و معنویت به شمار می‌رود! همچنانکه گاهی و فور نعمت‌ها عاملی برای تحقق سنت‌های استدراج، امهال و کیفر و پاداش الهی قرار می‌گیرد.

پی‌نوشت

[۱]. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: دو ماهنامه حصون، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، سال ۱۳۹۰، صفحه ۱۰۳، نقل از عباس تیموری، کارشناس ارشد مطالعات علوم استراتژیک، «چالش‌ها و تهدیدات سی ساله جمهوری اسلامی ایران»؛ پایگاه اطلاع رسانی سپاه امام رضا (ع) و نیز ماهنامه رسم شهادت، ویژهٔ دفاع مقدس، ص ۴.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، لبنان: بیروت، ۱۳۷۵ق.
۲. اسعدی، محمد و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، جلد اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
۳. بابایی، علی اکبر، «بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶ش.
۴. بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱ش.
۵. پل باران، اقتصاد سیاسی رشد، ترجمه کاوه آزادمنش، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹ش.
۶. جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ش.
۷. جوادی آملی، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم: اسراء، ۱۳۷۸ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق سید غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۹ش.
۹. _____، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۰. شیروانی، علی، نهج الفصاحه، چاپ دوم، قم: دارالفکر، ۱۳۸۵ش.
۱۱. صالحی، محمد عرب و سعید متقی فر، «نقد نگاه تطبیقی محمد ارکون به عقل اسلام و عقل غربی»، مجله قبسات، شماره ۷۲، سال نوزدهم، تابستان ۱۳۹۳ش.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، لبنان: بیروت، ۱۳۹۰ق.
۱۳. علمداری، کاظم، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟، چاپ هفتم، تهران: توسعه، ۱۳۸۱ش.
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۱۵. لیپرته، ریشه‌های عقب ماندگی، ترجمه صبوری، تهران: روزبه، ۱۳۳۷ ش.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دارإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی پزشکی، تهران: طهوری، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر- کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۱۹. نراقی، محمد مهدی، «جامع السعادات»، چ هفتم، ج ۱، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۶ ش.
۲۰. نوروزی، محمدجواد و همکاران، «دست در دست صبح»، قم: معارف، [بی‌تا].

